

کدام شرکت‌ها در فهرست لغو تحریم‌ها هستند

اینها: بعد از توافق تاریخی ایران و گروه ۵+۱ پس از ۲۲ مذاکره فشرده و تفصیلی، دستاوردی در حوزه هسته‌ای و لغو تحریم برای کشور حاصل شد و براساس این تعدادی از شرکت‌ها از فهرست تحریم خارج شدند. براساس این توافق تاریخی تیرماه، تعداد زیادی از شرکت‌ها و افرادی که سال‌های گذشته مشمول تحریم شده بودند، از فهرست خارج شدند. در این میان بازار سرمایه نیز مهم به‌سزایی در کاهش تحریم داشت و چندین شرکت مشمول لغو تحریم را در دل خود جای داد. لغو تحریم این شرکت‌ها می‌تواند باعث بهبود عملکرد آنها شده و در وضعیت سایر شرکت‌ها نیز برگردان باشد. در این میان شرکت‌هایی که در بازار مایه حضور دارند مانند صنایع آذرب، آلومینیوم، اقتصاد نوین، بانک انصار، بانک ایران زمین، بسیان، بانک پاسارگاد، پست بانک، بانک تجارت، بانک خاورمیانه، بانک دی، بانک سامان، بانک مایه، بانک سینا، بانک صادرات ایران، بانک قوامین، بانک کارآفرین، بانک گردشگری، بانک ملت، بیمه ملت، پتروشیمی شازند، پتروشیمی مبین، داروسازی ایران‌سینا، سرمایه‌گذاری پردیس، سرمایه‌گذاری برای جهان، شمال، سپهرمان نازندان، بانک مهر، واور و کشتیرانی در فهرست خروج تحریم‌ها قرار گرفته و از تحریم خارج می‌شوند. البته بانک مرکزی، ارت رفت و نیرو در این فهرست قرار دارند که لغو تحریم این ارکان مهم نیز به‌طور غیرمستقیم در بازار مایه اثرگذار است. در این میان کارشناسان معتقدند مایه واسطه‌گری می‌همچون بانک، پتروشیمی، درویی‌ها و لژینگ‌ها و همچنین صنعت گردشگری زودتر با رشد ناشی از توافق مواجه شوند و صنعت ساختمانی و کاشی و سرامیک نیز اخیر از توافق تأثیر می‌پذیرد. به این ترتیب می‌توان گفت بعد از توافق هسته‌ای، شرکت‌های تولیدی با زیرت ۲۴ ماهه رشد خود را آغاز می‌کنند ولی مایه واسطه‌گری بیشترین تأثیر را می‌پذیرد. بنابراین حاصل شدن توافق هسته‌ای، شرکت‌های بانک، مایه، پتروشیمی و حمل‌ونقلی که در سال‌های شسته مورد تحریم قرار گرفته بودند، طی چندماه ده از فهرست تحریم خارج می‌شوند؛ خروج این شرکت‌ها از فهرست تحریم‌های غربی می‌تواند افزایش درآمد و روند سودآوری آنها و در نهایت عملکرد کلی بازار سرمایه مؤثر باشد.

دیگر، سیاست‌های غلطی که دولتمردان، کم‌وبیش در همه دوره‌ها، در پیش گرفته‌اند. در دوران سیاست‌تحریم دولت باید رویه معمول خود و دولت‌های گذشته را تغییر دهد.

متأسفانه دولت‌ها علاوه بر عدم شفافیتی که هست، تلاش کرده‌اند به نوعی چنین القا شود که اقتصاد در مسیر درستی حرکت می‌کند و به همین دلیل، اغلب بر متغیرهایی تأکید شده است که نباید می‌شد. اقتصاد به وسیله سیاست‌های نادرست به سمتی کشیده شده که بازده بخش‌های مولد مانند صنعت و کشاورزی پایین و بازره‌های خوددانی، واسطه‌گری مالی و تجاری بالا و جذاب است و این مسئله باعث شده است منابع و فعالیت‌ها به سمتی که در توسعه نقشی ندارند، هدایت شوند. سیاست‌های غلطی که در پیش گرفته شده، منجر به رشد غلط اقتصادی نیز شده است. در حقیقت دولتمردان با اجرای هدایت اقتصاد در مسیر درست، بر رشد غلط اقتصادی تأکید کرده‌اند.

رشد خوب رشدی است که ناشی از فعالیت، سرمایه‌گذاری و مشارکت مردم در تولید و اشتغال مانند صنعت و کشاورزی باشد.

در مقابل، رشد بد رشدی است که صرفاً بر میزان رشد ناخالص داخلی تأکید و آن را با رشد خدمات، دلالتی، واسطه‌گری مالی و فعالیت‌های نظامی و انتظامی برآورده می‌کند؛ از این‌رو چیزی که نباید رشد می‌کرد رشد کرده و آنچه باید رشد می‌کرد از رشد بازمانده و اقتصاد را با چالش بسیاری‌جری مواجه کرده است.

حال که توافق شده، دولت باید سیاست‌های دَش‌تَه، که غالباً کوتاه‌مدت و مقطعی بوده و برای اوضاع موجود تدوین می‌شده‌اند، را کنار بگذارد و به استراتژی و سیاست‌های بلندمدتی روی بیاورد که هدف آن حمایت از صنعت، کشاورزی و بخش‌های مولد اقتصاد باشد.

از فرصت ایجاد شده به واسطه توافق و امکاناتی که اکنون فراهم شده؛ نظیر ارتباط مستقیم با سازندگان تکنولوژی، تعامل بی واسطه با دنیا و حصول اطمینان از نبود بی ثباتی در روابط بین المللی کشور، باید بهترین بهره را برد تا بتوان در مسیر درستی قرار گرفت. این فرصت، برای ساماندن اصلاح اقتصاد ایران از دست بروند کشور با یک زبان جریان ناپذیر تاریخی روبه‌رو خواهد شد.

اولویت‌های اقتصادی دولت در پست‌اتحریم زیر ذره بین کارشناسان

دولت اسیر بازی رانت خواران نشود



در این مسئله با مصالح و کیفیت زندگی مردم و توسعه ملی کاری ندارند. در شرایطی که یکی از بی‌سابقه‌ترین رکودهای اقتصادی ربع‌قرن اخیر را تجربه می‌کنیم و برآوردهای رسمی از رشد ۵۰ درصدی مالیات‌گیری در سال ۹۳ نشان می‌دهد ۹۲ حایک دارد، دولت باید توجه کند که این رشد نه متناسب با تورم است و نه تناسبی با رکود فعلی و تحولات تولید ملی دارد. در شرایطی که رکود، کمر اقتصاد را می‌شکند باید مالیات کاهش پیدا کند، اما عملاً در لایحه بودجه ۹۶ و ۹۳ جهت‌گیری اتخاذشده از دولت دقیقاً برعکس بود و متناسفانه مجلس هم رویه متفاوتی در پیش گرفت. در نظام مالیاتی ناکارآمد کشور، کسانی که صداقت بیشتری دارند، از جمله تولیدکنندگان و حقوق‌بگیران، باید فشار بیشتری را متحمل شوند. مسئله دیگر این است که با تغییر شرایط و لغو تحریم‌ها دولت باید برنامه‌های آتی خود را متناسب با اوضاع جدید، تغییر دهد و با توجه به اعتبار و فرصت‌هایی که در اختیارش قرار می‌گیرد در بودجه شش‌ماهه دوم سال ۹۴ نیز تجدیدنظر کند. حتی این مسئله باید در تدوین برنامه ششم توسعه دیده شود.

د کتار همه این اقدامات، دولت باید برای مبارزه با یفساد و مقابله با مفت خوارگی، برنامه ریزی جامعی داشته باشد. گرچه پیشتر در این زمینه کوتاهی شده است اما دولت باید هزینه فساد و مفت خوارگی را بالا ببرد تا برای سرمایه گذاری در تولید انگیزه ایجاد شود.

برنامه ریزی براساس خرد جمعی
محسن صفایی فراهانی، اقتصاددان



در پستاتحریم ولایت باید به دنبال برنامه ریزی براساس خرد جمعی باشد و بعد از آن منابع کشور را به سمت تولید و سرمایه گذاری مولد سوق بدهد. همچنین باید در یک دوره مشخص، از بن بست اقتصادی که گرفتار آن شده است، خارج شود. تولید نفت ایران بعد از تحریم ها به سه و نیم میلیون بشکه در روز کاهش یافته است، در حالی که قرار بود تا پایان برنامه پنجم توسعه این میزان به پنج میلیون بشکه در روز برسد. به دلیل نبود سرمایه گذاری مناسب در این حوزه در ۱۰ سال گذشته، صنعت نفت به شدت آسیب دیده است و در زمینه گاز نیز در شرایطی که ما بیشترین ذخایر گاز جهان را در اختیار داریم، تولید و صادرات قابل توجهی نداشته ایم. حال آنکه ما نیز مانند روسیه باید بتوانیم بخشی از گاز اروپا را تأمین کنیم. در شرایط فعلی ارتباط با غرب یک فرصت طلایی برای صادرات گاز به اروپا است. تولید ناخالص ترکیه حدود هزار میلیارد دلار و تولید ناخالص ایران حدود ۴۰۰ میلیارد دلار است، اگر بخواهیم جزء کشورهای برتر منطقه باشیم، به برنامه ریزی منسجم نیاز داریم تا این فاصله را بر کنیم. ایران، کشور پهناور ۸۰ میلیونی، با منابع و معادن انبوه، نباید متکی به صادرات نفت باشد. معادن غنی، آب،

فراوری و صادر شوند. تکنولوژی قدیمی و انرژی بر باید با تکنولوژی جدید و روزآمد جایگزین شود. منابع درآمدی نیز به جای کالاهای مصرفی، باید صرف واردات کالاهای سرمایه‌ای شود؛ با اقداماتی از این دست، تولید و اشتغال افزایش می‌یابد و درآمد سرانه نیز رشد خواهد کرد.

اقتصاد ایران اسیر ملثث شوم

وحد شقای شهری، اقتصاددان



اقتصاد ایران سه ویژگی اصلی دارد که ربطی به تحریم ندارد، از قبل نیز بوده و به‌مرور فراگیر شده است؛ اولین ویژگی را باید وابستگی شدید دولت به صنعت‌های نفتی دانست. نه تنها دولت، بلکه کشاورزی و تولید نیز به نفت وابسته است. ویژگی دوم رانتی بودن اقتصاد

است که در دوران تحریم بیشتر احساس شد و سسومین ویژگی، فسادی که امروزه ساختاری و نظام‌مند شده است. این سه ویژگی به‌مرور خود را نشان داده‌اند و در دوران تحریم، به‌دلیل کاهش تشدید درآمدهای دولت، بیشتر نمایان شدند، از این رو بعد از لغو تحریم‌ها و در دوران سیاست‌ریمی نیز این ویژگی‌ها وجود خواهند داشت. درحال حاضر ایران روزانه حدود یک میلیون بشکه نفت صادر می‌کند و قرار است روزانه یک‌ونیم میلیون بشکه به این میزان افزوده شود. با این تفاسیر دوباره درآمدهای نفتی به اقوت‌شان باز می‌شود و این سه ویژگی، که باید به آنها لقب ملثک شوم را داد، هرگز نمی‌گذرانند. رشد

شرق: فراز و نشیب اقتصاد ایران در دهه اخیر، پدیدگی با روند اعمال و اجرای تحریم‌ها و تأثیرپذیری انکارشدنی‌ای از آن داشته است. در سال‌های ۹۰ تا ۹۱ که تصویب قطع‌نامه و اعمال تحریم‌های اقتصادی علیه ایران شدت گرفت، این پیوند و تأثیرپذیری به وضوح مشخص بود. در این میان، سومریدیت‌ها، رانت و فساد اقتصادی داخلی نیز بازخوردهای تحریم‌های خارجی را تشدید کرد. گرچه در آن سال‌ها، تحریم‌ها کاغذپاره خوانده شدند و به‌ظاهر، تصویب قطع‌نامه علیه ایران نیز شبیه شوخی انگاشته شد؛ اما در واقعیت، واکنشی که اقتصاد بروز داد و آنچه از آنجا ناهیه گریبانگیر مردم شد، بسیار ملموس و دردناک بود. فارغ از اینکه نتیجه بررسی مجلس، پارلمان‌های اروپایی و کنفره چه باشد، این مسئله درخور توجه است که در صورت مثبت‌بودن نتیجه نهایی، دولت بازدم‌ها با اقتصاد ناخوش و بیمار تحریم‌شدیده، چگونه رفتار خواهد کرد و باید به چه اولویت‌هایی در این حوزه توجه کند. در شرایط که اختلاف‌نظر کارشناسان کشور به تأثیر ۲۰ تا ۲۵ درصدی رفع تحریم‌ها بر اقتصاد کشور، به هم نزدیک شده است؛ آیا رفع تحریم‌ها می‌تواند مهم‌ی بر زخم‌های این اقتصاد بیمار باشد یا باز از این فرصت جدید نیز برای واسطه‌گری غیرمولد و کاسبی توأم با رانت استفاده خواهد شد. در ادامه به نظرهای و پیشنهادها کارشناسان و اقتصاددانان را درباره اولویت‌هایی که دولت باید در دوران پس‌تحریم بر آن پیریزد، می‌خواهیم.

ایستادگی در برابر جو سازی رانت خواران



اما نکاتی بسیار حیاتی نیز در حوزه مدیریت اقتصادی وجود دارد که باید به دولت گوشزد کرد تا این تلاش‌های ارزشمند، به‌صورت درست و عملی در زمینه ارتقای کیفیت زندگی مردم و بهبود معیشت آنها و همچنین در زمینه ارتقای بنیه تولید ملی و افزایش توان رقابت اقتصاد ملی استفاده شود.

سمت‌گیری اصولی تنش‌زدایی، که یک نمونه مؤثر در زمینه پیشبرد اهداف توسعه ملی محسوب می‌شود، ممکن است بازچیزه هوس مخالفان سیاسی دولت و همچنین رانت‌جویان و فرصت‌طلبان سبیل‌ساز را در ماجرای سال‌های بعد از ۱۳۹۰ و آشفتنه بازارهای آبروزها، با برنامه آینده‌هراسی و تشدید فشارهای خارجی، بیشترین رانت‌ها را بخورند و بیشترین فسادها را مرتکب شدند. این گروه ممکن است دستاوردهای اصولی دولت در زمینه کاهش تنش‌ها را، برای منافع خود و گروه‌های تنش‌آفرین به‌هم‌پیمان خود، به سخره‌خیز بکنند. امید است دولت بدون هیچ‌گونه سستی‌ای این مسئله را مورد توجه قرار دهد که تلاش‌های آرزوشندی که انجام می‌دهد را به فرصتی تبدیل نکند. دستاوردهای عملی و ملموس برای عامه مردم، زمینه و آینده‌کشور به‌همراه داشته باشد. در این زمینه به‌صورت کلی، به‌عنوان بایسته‌های سیاست‌گذاری در دوران پست‌اتحریم، چند نکته کلیدی وجود دارد و دولت باید هم روش برخورد و هم اهمیت مسائل را مورد توجه قرار دهد. از نظر روش برخورد، با شرایط فعلی، به‌نظر می‌رسد دولت قبل از هرچیز باید به منزلت و جایگاه خود اهمیت دهد و به‌هیچ‌وجه برخورداری سلیقه‌ای یا شعاری از مقام دولت انجام نشود. اینکه سخنگوی دولت مرتباً ادعا کند دولت برای همه‌چیز برنامه دارد اما در عمل شاهد روزمرگی باشیم، به صلاح حیثیت دولت نیست. اینکه شخصی رئیس‌جمهور است مقام‌های بعدی دولت مرتباً رانت‌خواری عملکرد، به‌عزم ایشان، خارق‌العاده سال ۹۳، تبلیغ کند نیز به‌هیچ‌وجه شایسته نیست.

مسئله دیگر این است که باید صادقانه و با اصرار به مردم گفته شود که همه ماجرای گرفتاری ایران در شنه در تحریم نداشته و در دوران، قبل از تحریم‌ها

در سال‌های ۸۹ و ۹۰ نیز نفلتهای وضعیه بهتری وجود نداشته بلکه در همان زمان، کشور با مسائل بزرگ انسانی، جمعیتی و اجتماعی روبرو بوده که برزکده و کریم و جهت‌گیری دولت داشته است. باید ثابت کرد که برداشته شدن بخشی از فشارها از کشور، به خودی خود باعث ارتقای عملکرد نمی‌شود بلکه فرصتی می‌دهد تا بتوانانیم با برنامه‌ریزی درست کارشناسی، از موقعیت موجود استفاده کنیم و چه بسا همان در کوتاه مدت با میان مدت باز هم کشور در تنگنا باشد. در این زمینه دولت باید واقع بینانه و بسیار هوشمندانه برخورد کند، به خصوص که خود نیز نمی‌داند از نظر چشم انداز در آمده‌های نفتی در سال ۹۴ نسبت به سال ۹۳ اوضاع و احوال گاهی نگران‌کننده است. دولت باید در برابر گسجاری‌های گروهی این رنفلتهای

و رانت‌جو که هم‌زمان یک جریان تبلیغاتی سیاسی، بره‌زنبه و فرصت‌سوز دربار جهت‌گیری سیاسی-دولت به راه انداختن خود کاظمی و هوشیار-نشان بدهد و اسیر بازی‌های این گروه‌ها نشود. هنوز بیش از ۵۰ درصد حاکم قیمتی ناشی از آینده‌های درخشان در نرخ ارز فعلی باقی مانده است و دولت در شرایطی فکلی در معرض یک انتخاب خطر قرار دارد که آیا منافع گروه‌های پرتفوذ و رانت‌جو را مراعات کند یا منافع عامه مردم را مدنظر بگیرد؟ این مسأله در طرز مشکوکی در چند هفته اخیر مشاهده می‌شود. از آن‌که از بهر و رخ مالیات‌های موجود انتقاد می‌کنند

یادداشت

پیشنهادهایی برای مصرف
۲۹ میلیارد دلار



منصور قربانی*

● اینجانب سیاسی نبوده و نیستم، اما به دلیل آشنایی با منابع طبیعی ایران، منابع انسانی و جغرافیای آن و همچنین امکانات و زیرساخت‌های موجود، نقاط قوت و ضعف را به خوبی می‌شناسم. به همین دلیل به‌عنوان یک ایرانی و به مناسبت توافق هسته‌ای انجام‌شده، مطالبی را بیان می‌کنم. در مورد توافق هسته‌ای، به آنچه که قبل از آن اتفاق افتاده است، اشاره نمی‌کنم ولی از آنچه در پایان رخ داده است، خوشحال هستم. موضوع اصلی مورد بحث، ۲۹ میلیارد دلاری است که پس از توافق امکان بازگشت به ایران را دارد. هرچند اینجانب اقتصاددان نیستم، اما با توجه به شناختی که از امکانات و نیازهای کشور در زمینه‌های گوناگون دارم، به‌عنوان یک ایرانی وطن‌دوست مطالبی را بیان می‌کنم. عدم سرمایه‌گذاری این میزان ارز و درآمدهای آتی نفتی می‌تواند سبب افزایش تورم و مسائلی شود که پیش از این نیز با آن دست به گریبان بودهایم. در زیر به نیازهای اساسی کشور و راه‌هایی که می‌توان به کمک آنها از ورود این مبلغ ارز به اقتصاد روزمره جامعه جلوگیری کرد، اشاره می‌کنم.

۱- در حال حاضر ناوگان هواپیمایی ایران دارای مشکلات فراوانی است و به پوست اندازی کامل نیاز دارد. می‌توان با بخشی از این پول، حداقل ۲۰۰ فروند هواپیمای جدید خریداری کرد. همچنین فروندهای بین‌المللی موجود در سطح و قاره کشور بزرگی چون ایران نیستند و باید ساماندهی شوند. به نظر اینجانب بخشی از ارزهای مذکور باید در صنعت هواپیمایی کشور هزینه شود.

۲- کشور از نظر راه‌های ارتباطی بین‌شهری آسفاته، شرایط نسبتاً مناسبی دارد اما توسعه راه‌آهن کشور، در سطح بسیار پایینی است. این موضوع در تمامی جنبه‌های توسعه‌ای و ارتباطات شهری، کیفیت خطوط و قطارها و سایر موارد دیده می‌شود. به نظر می‌رسد بخشی از این پول نیز باید در صنعت راه‌آهن کشور هزینه شود.

۳- همسایگان شرقی و شمال‌شرقی ایران نیز افغانستان، تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان به دریاهای آزاد راه ندارند. این در حالی است که ایران می‌تواند به کمک سیستم کارآمد راه‌آهن از دریای خزر تا دریای شرقی کشور، این کشورها را به دریای مکران (عمان) متصل کند. در این راستا ایران می‌تواند علاوه بر احداث خط راه‌آهن در کشور، با اعطای وام‌های کم‌بهره ولی قابل بازگشت و حمایت‌های فنی مهندسی، احداث راه‌آهن در این کشورها را برای اتصال آنها به دریای آزاد از طریق کشور ما تسهیل کند. این موضوع از نظر راهبردی و اقتصادی منافع بسیاری برای ایران خواهد داشت.

۴- ایران کشوری است که به فعالیت‌های عمرانی و احداث راه‌آهن ارتباطی، بسیار نیاز دارد. از سوی دیگر این از نظر منابع معدنی یکی از شش کشور بزرگ دنیا است و نزدیک به ۷۰ نوع ماده معدنی در ایران وجود دارد که در حال حاضر بیش از ۶۰ نوع آن در حال تولید است. اگر این دو مورد را کنار یکدیگر قرار دهیم، افزایش فعالیت‌های عمرانی منجر به افزایش تقاضا برای مواد معدنی می‌شود. ایران با توجه به پتانسیل بسیار زیاد برای کوه‌ها، دریاهای ۱۰ درصد از درآمد ناخالص ملی خود را از طریق معادن کسب کند. نبود کارخانه ماشین‌سازی بزرگی که بتواند ماشین‌آلات سنگین کاربردی در امور معادن و عمرانی تولید نماید نیاز برای راهسازی، معدن‌کاری، احداث تونل، جاده و... (مانند لودر، بولدوزر، بیل مکانیکی و کامیون‌های بالای صد تن) را تولید کند. مشکلی بزرگ در توسعه معدن‌کاری و عمران و آبادانی کشور به شمار می‌آید و سبب می‌شود اغلب پروژه‌ها و تولیدات معدنی غیراقتصادی شوند. بخش قابل‌توجهی از ارز آزادشده می‌تواند در ساخت و احداث چنین کارخانه‌های هزینه‌بر شود.

۵- کشور ما بدون هیچ شکی جزء کشورهای خشک است و این خشکی رو به افزایش نیز است. خشک شدن دریاچه‌های نظیر هامون، پریشان، مهارلو، ارومیه و... در سال‌های اخیر، گواه این معادست. جذا از این، کشور ما حتی برای جمعیت فعلی خود نیز توان تامین آب در آینده را ندارد، اما این موضوع قابل درمان است. به واقع باید انتقال آب از حوضه‌ای به حوضه دیگر به خوبی مدیریت شود. همچنین احداث شبکه‌های گسترده آب‌شیرین‌کن در جنوب کشور و انتقال این آب برای مصرف صنایع به همراه احداث صنایع بزرگ جدید در نزدیکی دریا می‌تواند راهکار مناسبی باشد که نیازمند سرمایه‌گذاری کلان و مدیریت کارآمد، آگاهانه و کارشناسی شده است.

۶- بازسازی صنعت نفت کشور و ایجاد ساختارهای زیربنایی برای تولید حداقل پنج میلیون بشکه در روز باید در دستورکار کشور قرار گیرد. با توجه به ارزشهای واردشده، سرمایه‌گذاری در حوضه‌های نفتی مشترک نیز برای تولید هرچه بیشتر از این مخازن، باید بیشتر شتاب گیرد. صنعت نفت کشور نیازمند سرمایه‌گذاری گسترده‌ای است تا بتواند بار دیگر نقشی اساسی در بازسازی نفتی دنیا ایفا کند.

* عضو هیأت علمی دانشکده علوم زمین
دانشگاه شهید بهشتی

●● کترینگ یاسین ●●



زیر نظر سر آشیز بین المللی

محمد رضا یحیائی

 0.912 18 99 3.1

☎ ٢٤٣٢٤٧١٨

۲۶۳۲۶۷۰۲